

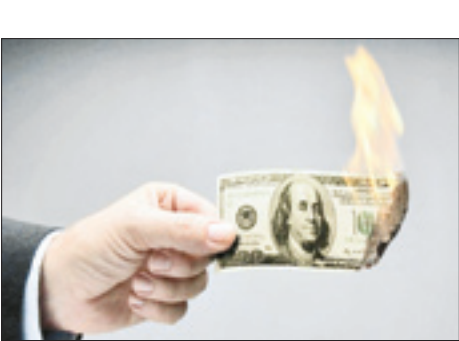
این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب دیده شود.

آینه نفس



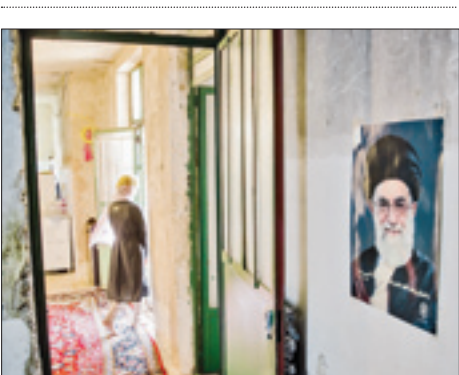
### آیا نماز اول وقت بدون حضور قلب هم انسان را بالامی‌برد؟

کانال تلگرامی «مرکز نشر آثار آیت‌الله بهجت(ره)» پرسش و پاسخی از حضرت آیت‌الله بهجت(ره) در حاشیه درس خارج اصول مورخ ۹ فروردین ۱۳۸۸ را منتشر کرد. از حضرت بهجت(ره) پرسیدند اینکه حضرت آقای قاضی فرمودند هر کس نماز اول وقت بخواند، به مقام می‌رسد، آیا نماز با حضور قلب مراد ایشان بوده یا خیر؟ حضرت آیت‌الله بهجت(قدس‌سره) فرموده‌اند: نه! اگر نماز با حضور قلب امرادشان باشد!، آن وقت سؤال می‌کنند که چگونه نماز ابا حضور قلب را بخواند؟ به چه سببی بخواند نماز کامل را؟! اینکه چیزی به دست نداد، وقتی چیزی به دست می‌دهد که بگوید مطلق نماز، مطلق نماز را کسی مقید باشد در اول وقت، به نماز عالی می‌رسد. می‌رسد خودش، تکویناً شیناً فشیئاً، روز به روز می‌رود بالاتر.



### دلار شییشه عمر امریکاست!

مهدی محسنی در توثیتی نوشت: یکی از مهم‌ترین محورهای همکاری استراتژیک ایران و روسیه می‌تواند زودن دلار از مبادلات مالی باشد. دلار شییشه عمر امریکاست! این تدبیر و دغدغه سال‌هاست از سوی امام خامنه‌ای تحت عنوان شکستن ارزش و آقایی دلار مورد تأکید واقع شده و در دیدارهای پوتین با ایشان در تهران هم مطرح شده بود.



لادن عظیمی در «مجله الکترونیکی واو» نوشت:اگر می‌خواهید بدون هیچ پیش‌فرضی به‌دل داستان بروید و درنره از حکایت «ماتی خان»‌باخبر شوید و شیرینی کشف موضوع را تجربه کنید، لطفا همین حال‌ای یادداشت را کنار بگذارید و کتاب را شروع کنید. در چنین مواجهه‌ای با کتاب، طرح جلد و عنوان، شخصیت اصلی را به‌ما معرفی می‌کند: مردی ترکم‌ن به نام «ماتی خان». داستان از جایی نزدیک به پایان شروع می‌شود و ما در فصل اول تقریباً هیچ چیز از ماجرا را نمی‌دانیم. راوی انسانی کل هم در این فصل کمکی به ما نمی‌کند. همین ابهام، شروع اشتیاق به خواندن ادامه ماجراست. از فصل دوم که سرگذشت ماتی‌خان روایت می‌شود تااپه‌امات آغاز کتاب را برطرف کند.

داستان «ماتی‌خان»، روایت طایفه‌ای از قبایل ترکم‌ن است که در حاشیه رود اترک ساکن شده‌اند و روستایی را به نام «خایر‌خوجه» بنا کرده‌اند. اهالی این ابادی در اثر بی‌اخلاقی امنیه‌های رضاخان و چپاول شدن اموالشان و ماجرای کشف حجاب اتفاقات ناگوارتری را از سر می‌گذراندند که چنانچه به داستان است. «ماتی‌خان» بزرگ این طایفه است و روایت حول محور او می‌گردد.

«عبدالرحمن اونق» نویسنده ترکم‌ن، برای نوشتن این اثر سوزه بگری را برگزیده و از آن مهم‌تر اینکه به‌خوبی آن را ساخته‌وپرداخته است. روایت پردازتی، برگ برنده نویسنده است. در واقع نویسنده به‌خوبی واقف است که



### زمان پهلوی بدون روتوش «من‌وتو»

حسین نصیرزاده با انتشار تصویر فوق‌نوشت، مستندهای من‌و تو طوری زمان پهلوی را نشان می‌دهد که انگار همه چیز گل‌ولبل و نایس بوده و دانش آموزها هر روز در مدرسه شیرمز می‌خورندند و مردم هر پنج‌شنبه خوشحال و خندان جاده جالوس بودند! اما واقعیت پهلوی را باید اینجا دید: «خرید و فروش اجزا و اندام‌های بسدن در بورس معاملات!» این واقعیت زمانه پهلوی بدون روتوش است. #تحرّف-تاریخ

## چون

## گایبران

روزنامه جوان | شماره ۶۱۰۰ | پنج‌شنبه ۷ بهمن ۱۴۰۰ | ۲۴ جمادی‌السنی ۱۴۴۳ |



واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به موضع وزیر امور خارجه در خصوص احتمال مذاکره با امریکا در صورت نیاز

# شرط هر مذاکره‌ای تأمین منافع ملی و تضمین بالاست

سخنران امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه درخصوص مذاکره مشروط با امریکا در صورت نیاز با سبیلی از واکنش‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی همراه بود. برخی کاربران با هر گونه مذاکره اعلام مخالفت کردند و مذاکره مستقیم با می‌کار را از نگاه انقلابی ممنوع دانستند. برخی دیگر از کاربران با بازخوانی تاریخ سیاست خارجی پس از انقلاب اسلامی

#### محمدجواداخوان:

موضع مناسب به مذاکره مستقیم از دولت قبل تاکنون تغییری نکرده است. مسئله اصلی رعایت دو شرط بنیادی توافق خوب و تضمین بالاستست که اگر در همان زمان دولت روحانی رعایت می‌شد، امروز اساساً به مذاکره‌ای نیاز نبود.

#### امیرحسین ثابتی:

بهسادری جهرمی سخنگوی دولت گفته: «دولت هیچ توافقی را که منجر به لغو تحریم‌ها نباشد، نمی‌پذیرد. چه موقت باشد یا چیز دیگری.»موضع درست و دقیقی است. صبر می‌کنیم و نتیجه نهایی مذاکرات را با همین جمله می‌سنجیم.

#### سید عبدالله متولیان:

۱- مطالبه لغو تحریم‌ها و تضمین عدم

#### بازگشت آنها به عنوان پیش شرط بازگشت

امریکا به میز مذاکره سبب دست بر تیران شده؛ ۲- بازگشت امریکا به ۴۰۱ بدون لغو تحریم‌ها و ارائه تضمین برای امریکا دست بر تیر ایجاد می‌کنند؛ ۳- ایران سبا مذاکره با امریکا خارج از ۴۰۱ می‌تواند این وتولته را خنثی کند.

#### ب.ب بهنام:

در دیپلماسی بین اینکه با ناز بگویی «اگر شرایط را مساعد ببینیم، می‌توانیم با امریکا مذاکره مستقیم داشته باشیم.» با اینکه به عنوان ر.ج یک کشورش ماه هر روز ناشتا جلوی دوربین نشستست و به طور ذلت‌باری گدایی مذاکره کرده و با خنده‌های سخیف برای دلبری بایدن لودگی کنی، فرق بسیاری. کاش بفهمید این روا

#### عبدالله گنجی:

نمی‌دانم مذاکره مستقیم با امریکا گمانه‌زنی است یا تانکتیک اگر قرار است صورت‌گیری نیابد در قالب ۵۰۱ بلکه دوچانبه باشد. حضور امریکا در جمع به معنی بازگشت امریکا به پرچام بدون تضمین عمل به آن است. هدف اصلی امریکا از بازگشت به برجام استفاده از ظرفیت‌های تنبیهی آن است. چیزی که الا ن نمی‌تواند. مذاکره مستقیم یک احتمال است هر موقع آورده‌ای داشته(مذاکره برای مذاکره‌نیده)نظام باصل زمان شناسی به آن توجه کرده

#### مهدی خانعلی‌زاده:

انتخاب راهبرد «جنگ نمی‌شود؛ مذاکره نمی‌کنیم» از سوی رهبر ایران، رئیس‌جمهور امریکا را به راهبرد «التماس می‌کنیم؛ مذاکره کنید»متماثل کرده‌است.سیاست‌گذاری برای

نویسنده با «ماتی‌خان» شما را خسته نمی‌کند

## با این حکایت می‌توانیم پیر شویم

در پیشبرد بی‌ رنگ دارند، سواز ویژگی‌های جمعی، شخصیت‌پرداز شده‌ند. آنچه در طول روایت از ویژگی‌های ترکم‌ها می‌خوانیم شجاعت و جنگ‌آوری است. از دیگر خصایصی که به‌شدت در داستان چشمگیر است و گاه در روایت گره‌های کوچک و بزرگی ایجاد می‌کند احترام به بزرگ‌ترها و ریش‌سفیدان است. احترامی که در طول روایت در تقابل با‌خامی و جوش‌وخروش جوانان قرار می‌گیرد و شکاف بین نسل‌ها را به‌خوبی نشان می‌دهد. این رگه از روایت که تقابل میان تجربه و شور جوانی را برنگ می‌کند تا اواخر زمان ادامه می‌یابد و سرانجام خودنویسند با این دیالوگ «شخاد»، که نماد نسل جوان است، نتیجه نزاع بین نسل‌ها را مشخص می‌کند: «هیچ‌وقت بدون مصلحت پدر و پدربزرگت دست به هیچ کاری زن. فیهیصدی؟ هیچ‌وقت.» اگر چه پیش از ذکر این جمله نیز مسیر روایت، تکلیف را برای مخاطب روشن کرده بود. در واقع اینکه نویسنده این دیالوگ را در ذهن شخصیتی که آفریده‌گذاشته‌است تا نتیجه‌گیری کند، شاید کمی دور از قواعد زمان نباشد، اما این نکته را نباید فراموش کرد که «شخاد» حرفی به دور از طبیعت و تربیتش بر زبان نیاورده‌است. از این رو می‌توان با اندکی مسامحه این سباق نتیجه‌گیری نویسنده را پذیرفت و بر آن خرده نگرفت. در حقیقت آنچه ما را به مسامحه وامی‌دارد محاسن بسیار کتاب است که آن را به اثری خواندنی بدل کرده‌است.



### همین قیاس برای گل گرفتن خودروسازی لیبرال کافی است!

امیر فرزادی در توثیتی نوشت: دو تصویر از هان جونجیا راننده قطار چینی با فاصله ۲۶سال! پرآید در ایران عمر ۲۸ساله داره، بگذارد کنار این عکس و پیشرفت در امر تولید! همین قیاس برای گل گرفتن در خودروسازی با تفکر لیبرال کافی است.

### بخشیدن به معنای ادامه ارتباط به شیوه قبل نیست

نیلوفر الهوردی نوشت: جمله غلطی که توجه‌ام را جلب کرد: «اگر ببخشیم یعنی خودم را در معرض آسیب دوباره قرار داده‌ام!» دوست من بخشیدن به معنای ادامه ارتباط به شیوه قبل نیست. در فرآیند بخشش لازم است بدانیم زمانی که من از کسی آسیب می‌بینم، این ماجرا تصادفی نیست و حتماً خودم هم

به دلیل آگاهی‌های کم، برای رشد به این مسئله نیاز داشتم. از طرفی فرد مقابل نیز قطعاً کاستی‌هایی در آگاهی دارد، بلکه آسیب‌دیده‌ای است که آسیب می‌زند.

درست مثل فردی که مسموم شده و استفرغ می‌کند، درست است برای ما هم مسموم‌کننده است، ولی قطعاً فرد بیمار آسیب زدن به ما نبوده است و این درونیات اوست که باعث حال بدش و آسیب ما شده‌است. حال وقتی این مفاهیم را درک می‌کنیم، حتی اگر رابطه ادامه پیدا کند، ما با این اتفاق رشد کرده‌ایم و دیگر به شکل قبل آسیب نمی‌بینیم.

### مطالعه جمعیت و مهاجرت پرندگان از طریق تحلیل آواز آنها با استفاده از هوش مصنوعی

کانال تلگرامی «هوش‌سیو» نوشت:

پژوهشگران از هوش مصنوعی برای مطالعه آواز پرندگان استفاده می‌کنند تا از جمعیت آنها، الگوهای مهاجرت و حتی لهجه‌های محلی آنها اطلاعاتی به دست آورند. از طریق مطالعه‌ای که روی آواز پرندگان رشته کوه‌های سیرا نوازا در کالیفرنیا انجام شد، یک میلیون

ساعت فایل صوتی به دست آمد. در حال حاضر، محققان هوش مصنوعی در تلاش هستند که این صوت‌ها را رمزگشایی کنند تا از نحوه واکنش پرندگان به آتش‌سوزی‌های طبیعی منطقه، اطلاعاتی به دست آورند و بفهمند چه راه‌هایی به بازگشت سریع‌تر پرندگان کمک کرد.

همچنین براساس گزارشی که اخیراً در مجله Scientific American منتشر شده است، دانشمندان با استفاده از این داده‌های صوتی می‌توانند تغییرات زمان مهاجرت و اندازه جمعیت‌ها را دنبال کنند. علاوه بر این، از دیگر تحقیقات و پروژه‌های مبتنی بر صوتی که برای شمارش حشرات و مطالعه تأثیرات آلودگی نوری و صوتی بر جوامع پرندگان در حال انجام هستند نیز داده‌های صوتی بیشتری به دست می‌آیند. امروزه با طرح‌هایی مانند BirdVox که حاصل همکاری از آزمایشگاه پرندشناسی Cornell با آزمایشگاه تحقیقات موسیقی و صوت دانشگاه نیویورک است، پژوهش در زمینه تشخیص موسیقی تبدیل به مطالعه آواز پرندگان شده است. بر اساس مطلبی که در وبلاگ دانشگاه نیویورک منتشر شده است، روش‌های گوش دادن ماشین به‌منظور تشخیص و رده‌بندی خود کار گونه‌های پرندگان آزاد از روی آواز آنها در پروژه BirdVox بررسی می‌شوند. پژوهشگران BirdVox امیدوارند تعیین زمان دقیق عبور هر گونه بسازند. ابزارهای کنونی رصد مهاجرت پرندگان متکی بر رادارهای آب و هوایی هستند که اطلاعاتی راجع به تراکم، جهت و سرعت حرکت پرندگان فراهم می‌کنند. اما درباره نوع گونه‌های مهاجر، اطلاعی به دست نمی‌آورند. پژوهشگران نشان داده‌اند که مشاهدات انسانی جمع‌سپاری شده (از طریق گروه‌های انسانی) منحصراً در طی روز انجام می‌شوند و این روش برای مطالعه پروازهای مهاجرتی شبانه محدودیت دارد.

### فقط زنبورها شهد گل‌ها را ذخیره نمی‌کنند

کانال تلگرامی «Modern Cogitation» نوشت: در طبیعت این فقط زنبورهای عسل نیستند که شهد گل‌ها را جمع‌و‌ذخیره می‌کنند مورچه‌هایی نیز وجود دارند که از بدن خود همچون خمره برای ذخیره‌کردن عمل استفاده می‌کنند تا در صورت لزوم از آن بهره‌برند! حادقاف پنج جنس مورچه به نام مورچه‌های کوزه عسل یا honeypot ants وجود

دارند، بعضی از مورچه‌های کارگر در این مورچه به صورت انباری برای ذخیره عسل برای شرایط بی‌غذایی در می‌آیند. به این صورت که این مورچه‌های کوزه عسل در لانه می‌مانند و بقیه مورچه‌های کارگر شهد گل‌ها را جمع‌آوری کرده و به خورد این مورچه‌ها می‌دهند. مورچه‌های کوزه عسل به مرور عسل را در بخش شکم خود ذخیره می‌کنند و شکم آن‌مورم و غیر متحرک می‌شود. شکم این مورچه‌ها در حد یک دانه انگور بزرگ می‌شود. مورچه‌های کوزه عسل می‌توانند رنگ‌های مختلفی داشته باشند و در زمان کمبود غذا سایر مورچه‌ها می‌توانند از این ذخیره غذایی استفاده کنند. حتی در بعضی مناطق انسان‌ها هم از مورچه‌های کوزه عسل به عنوان غذا استفاده می‌کنند. گونه مورچه‌های kormecocystus mexicanum که در امریکای شمالی زندگی می‌کند، مورچه‌های کوزه عسل وقتی به طور کامل بزرگ شدند، بی‌حرکت شده و از سقف لانه آویزان می‌شوند و بقیه مورچه‌های کارگر ذخیره غذایی مایع آنها را می‌گیرند تا برای غذایی بقیه افراد استفاده کنند.

### لپ‌های گورباچف سرخ شد!

کلال تلگرامی «خاطرات انقلاب» بخشی از مصاحبه آقای ناصر نوبری، سفیر وقت ایران در اتحاد جماهیر شوروی طی سال‌های ۱۳۶۹ – ۱۳۶۵ را منتشر کرده؛ نوبری در این مصاحبه در خصوص نامه‌ای که از حضرت امام(ره) به گورباچف ارسال شده، می‌گوید: وقتی آقای آملی پیام را می‌خواند و مترجم روسی ترجمه می‌کرد، کاملاً به گورباچف زل زده بودم تا ببینم تأثیر کلام امام روی او چیست، دیدم که امام دست او را خیلی دقیق خوانده است، چون لپ‌های گورباچف سرخ می‌شد و داشت خودش را می‌خورد و خوب فهمید که امام دستش را خوانده، در حالی که در درونش غوغایی برپا بود، سعی می‌کرد ظاهرش را حفظ کند. پیام که تمام شد، گورباچف خیلی قشنگ جواب داد و گفت: این پیام سرشار از مطالب مهم و سطح بالاست و طبیعی است که نباید انتظار داشته باشید که همین الان بتوانم جواب امام را بدهم. باید وقت بگذارم و مطالعه کنم. تداوم دیالوگ رهبران برای توسعه روابط خیلی مهم است، گورباچف گفت: من این پیام را مطالعه می‌کنم، و وقتی را درخواست می‌کنم تا نماینده‌ای را خدمت امام بفرستم. امام هرگز در عمرش به هیچ هیئت سیاسی وقت نداده بود، اما گورباچف این زرنگی را کرد. خلاصه جوابش هم این بود که ایدئولوژی‌ها و عقاید باید در جهان آزاد باشند و هر کسی باید عقیده خودش را داشته باشد و ما باید براساس مشترکات ارتباط برقرار کنیم و گفت نماینده‌ام را می‌فرستم.

آقای شواردنازه نماینده او هم دقیقاً جواب آقای گورباچف را در همین چارچوب داد. ساعت هشت صبح در دفتر امام در جماران وقت ملاقات بود. شواردنازه به من گفت: لطفاً در صورت امکان نیم ساعت زودتر بیاید که بفهمیم چه کار باید بکنیم.

خیلی دلهره داشت. می‌گفت: من به‌عنوان وزیر امور خارجه ملاقات‌های زیادی با سران کشورها داشته‌ام، ولی در مورد هیچ کدام اینقدر دلهره نداشته‌ام و نمی‌دانم چه می‌شود. همه دلهره‌اش این بود که کار به بگو‌مگو نکشد و امام چیزی بگوید و او نتواند درست جواب دهد. من یک ساعت زودتر رفتم و دیدم فقط کتاب‌به امام هست و هیچ صندلی‌ای نیست. گفتم: اینجا بلد نیستند روی زمین بنشینند و باید سر پا بایستند و درست نیست. رفتند دنبال صندلی گمشدند و دیدند پنج شش تا بیشتر نیست. گفتم برید از همسایه‌ها بگیرید، چون حداقل ۱۰ – ۱۵ صندلی نیاز هست.

رفتند و با هزار مکافات صندلی‌های رنگارنگ از همسایه‌ها گرفتند. یکی چوبی، یکی آهنی و... چند تا صندلی کم آمد و از افراد بالاخره چند نفری سر پا ماندند! شواردنازه از من پرسید: چه کنم؟ بروم جلو یا امام دست بدهم؟ هیچ حرکتی زودتر از امام نکن و هر کاری امام کرد از او تبعیت کن، بایست ببین چه کار می‌کنی. اما منم نمی‌توانم این اشتباه نکنی، هیچ حرکتی زودتر از امام نکن و هر کاری امام کرد از او تبعیت کن، بایست ببین چه کار می‌کنی.

همینطور هم شد. امام آمدند و یک راست رفتند روی کتاب‌ه نشستند و شواردنازه هم رفت و روی صندلی نشست.

**منبع مصاحبه:** وب‌سایت تاریخ ایرانی، ۲۳ مهر ۱۳۹۱، کد: ۲۶۷۵

